**کتاب وجودت را بخوان**

زان روزی که کتاب وجد خویش را یافتم

وه ! از قفس بدن خویش ، رهائی یافتم

دیگر نیست مرغ جانم دراین جسمم اسیر

دیگر علم النفس من نیست درفردای دیر

این حقیقت چون برمن بگردید ، آشکار

علم از حضور خود یافتم ، دربارعام یار

این چنین فهم کردم ، چیستان وجد خویش

غفلت های خویشتن وجدائیهای مهر کیش

عشق حق جای هر بی عشق ورزی گرفت

عشق راستین ، جسمی دیگرازمن سرشت

آن نشانه ها که دیروز داشتم بهر دوست

امروز ، با نشان صدق دارد ،بس سروش

زبان گویا شده و فکرت پراز انوار نور

چشم بصیرت باز گشته و دل پر ازسرور

گر التماسی است و رنجوری وآزار کسان

باید به درگاه اورفت که دارو دارد بهر جان

من کی کنم دست گدائی نزد افراد پر مدعا

باید غنیمت یافت این فرصت، رفت پیش خدا

چون گفت: مرا خوانید تا در یابید حق خود

بعد ازآن طالب شوی ذات حق باعرفان خود

چونکه عارف شد حق طلب، یار خود بدید

درچنین حُبّ وجود ، الهام معشوق می شنید

رمز آزمون های من شد دراین گیتی آشکار

در حوادث ها بینی ، نقش خود دراین مدار

ماموریم ما ،در رخدادها ی مرموزروزگار

این درسها کی تبیین گردد درگیتی بر قرار

او که از رگ گردن بما نزدیک تربوده همی

آنچه برمن میگذرد،او بمن آگاه ترباشد بسی

نیّت من داند که کیستم در ادعای روزگار

 درچنین راست آزمائی ، باید بود بس پایدار

چند غافلند زین سیر وسلوک ،خوش نگار

کی تکلیف خود دانند در خیر وشرّ روزگار

محمود در حوادث دانست، فطرت مردمان

هم در موطن خویش،هم درملت های جهان

فطرت چو با عقل ودل انسان همیاری کند

در حوادث ،در خیر خواهی بسی یاری کند

فطرت ملی ما ،مارا چنین بنموده هوشیار

هم ملت ها باهمین فطرت میگردند یارغار

فطرت ملی وفطرت فراملی بس لازمست

این چنین آئین در سیاست ها دنیا کم است

محمود صانعی پور مورخ 5/4/20